



برژان جوزی

سازنده منتخب تهران، فارغ التحصیل راه و ساختمان از دانشگاه امیرکبیر

حدود دو سال از وعده محسنی‌اژه‌ای، رئیس دستگاه قضا و دستور رئیس‌جمهوری برای آزادسازی حریم دریاها و رودخانه‌ها می‌گذرد. حال اگر در سواحل جنوب ایران و شمال گذر کنید، تأثیر مثبت این وعده‌ها را می‌بینید؛ اما تا پایان و اجرای کامل فاصله داریم. چندی پیش در سواحل مازندران نظاره‌گر زیبایی‌های خزر و رخ‌نمایی‌های آن بودم. زیبایی‌هایی که با رعایت حریم دریا اندکی نفس‌کش دریا بهتر شده است؛ اما هنوز در سواحل مازندران هستند غول‌هایی که نه‌تنها برای حریم دریا، بلکه دیگر برای جنگل‌ها نفسی نگذاشته‌اند. شاید جای تعجب باشد که یک سازنده، آن‌هم سازنده منتخب تهران که معنای این آین است که در ساخت‌وساز، آن‌هم بلندمرتبه‌سازی حرفه‌ای است، چگونه از حریم دریا و تعرض به جنگل می‌گوید و از ساخت‌وساز غیراصولی انتقاد می‌کند. انتقاد می‌کنم چون همه ما قبل از آنکه به شغل و حرفه‌ای شهره باشیم، در درجه اول ایرانی هستیم و می‌خواهیم این سرزمین نه‌تنها در حال حاضر برای ما بلکه هزاران سال برای ایرانیان قابل سکونت و زیبا باشد. از بین بردن منابع طبیعی این کشور، یعنی از بین بردن فضای زندگی فرزندان و نوه‌های خودمان.

ناید ایران را آن‌گونه به آیندگان تحویل دهیم که غیرقابل سکونت باشد و از الان فرزندان را تشویق به مهاجرت و کوچ اجباری کنیم.

ازاین‌رو من همیشه معتقدم ساخت‌وساز و قوانین آن اگرچه نباید به گونه‌ای باشد که دست‌وپای پیشرفت و آبادانی و توسعه در کشور را ببندد، نباید به گونه‌ای هم باشد که ایران را به خشت و سیمان تبدیل کند. ازاین‌رو ایران زیبا را باید پاس بداریم. به همین منظور، ساخت‌وسازهای بی‌رویه در اعماق جنگل، آن‌هم در ارتفاعات و آن‌هم به صورت بلندمرتبه‌سازی تعجب‌برانگیز است. برخی از ساخت‌وسازها جنبه عمومی دارد. مثلا اگر تله‌کابین از بخشی از جنگل عبور می‌کند و زیبایی‌های آن را به رخ می‌کشد و باعث جذب درآمد ملی و گردشگر می‌شود و نظارت کامل بر محدوده حفظ جنگل و طبیعت دارد، قابل دفاع است؛ اما اگر بخش دولتی با قدرت و زور یا حتی بخش خصوصی با رانت، بخشی از منابع طبیعی را برای ساخت‌وساز شخصی استفاده کند، قابل دفاع نیست که هیچ، محکوم هم هست.

اما درباره آنچه در ابتدای مطلب نوشتم، باید اعتراف کرد که با همت رئیس دستگاه

یکی از موضوعاتی که پیرامون احکام اسلامی مطرح می‌شود

این است که آیا می‌توان مردم را الزام و اجبار به رعایت احکام اسلامی کرد؟ این موضوع امروزه مشخصا در رابطه با حجاب از اهمیت خاصی برخوردار شده است. در این خصوص موارد زیر قابل تأمل است:

حکومت اسلامی می‌تواند در این زمینه از باب امر به معروف و نهی از منکر ورود کند و بدهییه است به محض برطرف‌شدن ضرورت، این ورود هم منتفی می‌شود. بنابراین نکته مهم در اینجا اثبات تأثیر بدحجابی و بی‌حجابی بر امنیت اخلاقی جامعه است.

همان‌گونه که گفتیم اگر ثابت شود بدحجابی و بی‌حجابی تأثیر مستقیم بر امنیت اخلاقی جامعه دارد، حکومت می‌تواند ورود کند. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که این ورود باید چگونه باشد؟ اجبار به حجاب باشد؟ مجازات باشد یا ارشاد و اصلاح و از بین بردن برخی مسائل که باعث لجاجت مردم و بدحجابی و بی‌حجابی می‌شود؟ در جواب باید گفت پیام اسلام نفی اجبار در دین است. اسلام دین ارشاد و اصلاح است نه اجبار و اکراه. هم آیات و روایات بر این مسئله تأکید دارند و هم سیره اهل بیت، مخصوصا در حدود ۱۵ سال حکومت نبوی و علوی، قرآن کریم در چندین آیه می‌فرماید انما علیک ابلاغ؛ وظیفه تو تنها هدایت مردم است یا می‌فرماید افانت تکره الناس حتی یكونوا مؤمنین؛ آیا می‌خواهی به زور مردم را مؤمن کنی؟ یا می‌فرماید لااكره فی الدین؛ در دین اجبار و اکراه نیست. مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید این تصریح به خاطر این است که ایمان و اعتقاد قلبی اساسا اجبار و اکراه‌پذیر نیست. ممکن است ظاهر درست شود، اما ارزش ایمانی ندارد. بنابراین توصیه اسلام در رفتار با مردم و اصلاح ناهنجاری‌های اجتماعی، زبان زور و اجبار نیست بلکه زبان مدارا و اصلاح و نیکو سخن‌گفتن است. امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه قولوا للناس حسنا می‌فرماید یعنی با همه مردم چه خودی و چه بیگانه، نیکو سخن بگویید. با مؤمنان با چهره گشاده سخن بگویید و با مخالفان گفتاری مداراچوایانه داشته باشید تا آنها را به خودجذب کنید. ممکن است با کمتر از اینها بتوانید شر مخالفان را از سر خود و برادران دینی خود کم کنید. اصل مسلم در سیره نبوی درخصوص برخورد با ناهنجاری‌ها، امر به معروف و نهی از منکر بود، آن‌هم توسط افراد آگاه و آموزش دیده و رکن رکن آن مدارا با مردم بود. بر همین اساس، فرمود عاقل‌ترین مردم کسی است که بیشتر با مردم مدارا کند و خوارترین مردم کسی است که بیشتر آنها را مورد تحقیر، توهین و آزار قرار دهد. همچنین علی(ع) در نامه‌ای به فرماندار بصره فرمودند بدان که بصره امروز جایگاه شیطان و کشتزار

قضا و پیگیری‌های رئیس‌جمهوری خدمات خوبی در حریم ساحل دریا انجام شده است. باین‌حال، سخنی با مسئولان اجرایی دارم.

دریای شمال ایران از ناملایماتی که بخشی از آن فرهنگی است، رنج می‌برد. اگر به دوردست‌ها و افق دریای خزر خیره شوید، محو در زیبایی‌هایش خواهید شد و از ماسه‌های طلایی‌اش که در دنیا بی‌نظیر است، لذت می‌برید؛ اما اگر کمی جزئی‌تر به آن بنگرید و چند قدم در ساحل قدم بزنید و اندکی در آب آن شناور شوید، فضا فرق می‌کند. اولین و مهم‌ترین چیز که شما را می‌آزارد، زیاله است. از بطری آب و پوشک بچه و پاکت چیپس و پفک گرفته تا پوست تخمه همه جا را فراگرفته است. بخشی از آن به مسائل فرهنگی مربوط است و مسئولیت اجتماعی همه ما، ولی بخش مهم و بیشتری از آن به مسئولان مربوط است و با برنامه‌ریزی حل‌شدنی است. یکی از معضلات مهم در سواحل شمال ایران این است که همکاری مناسبی بین بخش خصوصی و نظارت دولتی وجود ندارد. تفریحه‌گاه مناسب و متمرکز مثل هتل‌های بزرگ، ماریناهای (بندر تفریحی) مناسب و حتی پارک‌های بزرگ با امکانات پیشرفته وجود ندارد و در نتیجه، مردم برای

فته‌هاست؛ با مردم آن به نیکي رفتار کن و کره وحشت را از دل‌های آنها بگشا. آنان که مسئله حجاب را بزرگ کرده و بر طبل اجبار آن می‌کوبند، عمدا یا سهوا موضوع اصلی و اساسی در این زمینه را که در حقیقت بی‌حجابی و بدحجابی نتیجه و واکنش جامعه به آن است، نادیده گرفته‌اند و آن شیوه نامناسب حکمرانی و نبود عدالت اجتماعی است. واقعیت این است که موضوع بدحجابی و بی‌حجابی یک واکنش است، واکنش مردم به بی‌عدالتی اجتماعی و اتلاف وقت و عمر مردم و فقر و فساد و تبعیض حاکم بر جامعه. واقعیت انکارناپذیر این است که اگرچه ما در چهار دهه گذشته پیشرفت‌های بسیار خوبی داشته‌ایم که از برکات نظام مقدس جمهوری اسلامی است، اما متأسفانه در موضوع عدالت اجتماعی و مبارزه با فقر و فساد و فاصله طبقاتی توفیق چندانی نداشته‌ایم و این موضوع به اعتماد عمومی آسیب زده است. از سوی دیگر، متأسفانه ما نتوانسته‌ایم بستر مناسبی برای اعتراض مردم به نابسامانی‌ها فراهم کنیم و آنها را نسبت به حل مشکلات و اصلاح امور امیدوار کنیم. بنابراین بخشی از جامعه مراتب اعتراض‌شان به بی‌عدالتی‌ها و نابسامانی‌ها را این‌گونه و با لجاجت بیان می‌کنند. در نتیجه به نظر می‌رسد راه اصلاح و مبارزه با بدحجابی و بی‌حجابی، تمرکز بر فقط موضوع حجاب و سخت‌گیری دراین‌باره نیست، بلکه باید از طریق اصلاح شیوه حکمرانی به مقوله عدالت اجتماعی و تأمین آن پرداخت و با به رسمیت شناختن حقوق متقابل حکومت و مردم و مسئولان و نهادها و شرایطی حقوق‌شان که رکن رکن حکومت اسلامی هستند، شکاف ایجادشده بین دولت و مردم را ترمیم کرد. نباید بین گناهان و مجرمان فرق گذاشت و حجاب را بزرگ کرد و سایر جرائم و مجرمان را نادیده گرفت.

اگر قرار به مبارزه با جرم و مجرم است، باید با همه مصادیق جرم و مجرم برخورد کرد و بستر مناسبی برای مردم فراهم کرد تا از همه جرائم و نابسامانی‌ها از جمله اختلاس، مافیابازی، ناکارآمدی مسئولان و نهادها و تحدید و سلب حقوق مشروع و قانونی خود انتقاد کنند و این خواست عمومی است؛ وگرنه صرفا تمرکز بر حجاب و اجباری‌کردن آن و برخورد با بی‌حجاب‌ها و بدحجاب‌ها و چشم‌پوشستن بر دیگر جرائم و مجرمان نه‌تنها مشکلی را حل نخواهدکرد بلکه قطعا بر دامنه مشکلات خواهد افزود.

ادامه از صفحه اول

برنامه هفتم و مشکلات محیط‌زیستی ما

محیط‌زیستی‌ها از آن حذف کرد؟ منتقدان می‌گویند: اثرات زیست‌محیطی هر پروژه اگر درست ارزیابی و سپس توصیه‌های مربوطه اگر درست رعایت نشوند، ممکن است هزار مشکل پیش بیاید؛ همان‌طور که در مورد شورشن آب کارون در برخورد با معادن نمک پیش آمد و هزاران هکتار نخلستان خشک و نابود شد. سازمان محیط زیست باید توانایی این نظارت و کنترل را بر همه امور توسعه‌ای داشته باشد؛ همان‌طور که سایر وزارتخانه‌ها، مثلا راه و شهرسازی یا صنعت و معدن باید روی پروژه‌های توسعه شهری یا توسعه صنایع ارزیابی علمی و نظر نافذ محیط‌زیستی داشته باشند و حتی اگر سازمان زیست زیست کوتاه آمد، آنها قبول نکنند.

ما این سال‌ها به خاطر تحریم‌ها نتوانسته‌ایم هم‌پای بقیه دنیا علم و تکنولوژی خود را ارتقا دهیم، لذا در وضعیت آلوده‌تر و عقب‌مانده‌تر و فقیرانه‌تری قرار گرفته‌ایم. اما یک ضرورت‌هایی هست که نمی‌توان نادیده گرفت؛ مثلا باید حتما اجرای طرح تعادل‌بخشی سفره‌های زیرزمینی مدنظر قرار بگیرد و چاه‌های غیرمجاز پلمب شوند. باید تلاش کنیم تمام فاضلاب‌های شهری و صنعتی بعد از تصفیه وارد سفره‌های آب زیرزمینی شوند تا به طرح تعادل‌بخشی سفره‌ها کمک کنند. حداقل خوب است با این برنامه هفتم، در سالم نگه‌داشتن محیط زندگی‌مان گام‌هایی به جلو برداریم. شاید به‌جای تدوین ضوابط جدید محیط‌زیستی در برنامه توسعه هفتم، «بهتر باشد به ضوابط سخت‌گیرانه‌ای کردن نهیم که پیش از این در دستورالعمل‌های گذشته وجود داشته‌اند». از سوی دیگر «تغییرات اقلیمی و کاهش باران از یک سو و کساندازی به سرشاخه‌های آبی کشور از سوی دیگر از طرف همسایگان، باید توجه ما را به دنبال‌کردن کنوانسیون‌ها و توافقات آبی قدیم جلب کند تا برای تأمین آب مورد نیاز چه در امر کشاورزی و چه امر صنعت و شرب با احاطه و آینده‌نگری در بخش بلندپروازی‌های کشاورزی و انتقال آب برنامه بریزیم». پیشنهادها در حوزه محیط زیست زیادند، اما آیا اعمال آنها در برنامه اعلان‌شده تناقض نخواهد آفرید؟ در یادداشت هفته آینده سعی خواهیم کرد به برنامه هفتم از نقطه نظر حوزه تخصصی‌ام، یعنی شهر و شهرسازی و اقتصاد گردشگری بپردازم.

ادامه از صفحه اول

مطبوعات

ابزاری برای پزشکی اجتماعی و درمانگری

چند سال پیش یکی از مقامات قضائی از فوران آسیب‌های اجتماعی نگران بود که منجر به ورود سالانه ۱۶ میلیون پرونده به دستگاه قضائی شده و می‌گفت اگر دلسوز هستید، چرا به کاهش آسیب‌ها کمک نمی‌کنید. در پاسخ گفتم اشکال اینجاست که کمک به کاهش آن را هم جرم‌انگاری می‌کنند؛ زیرا نمی‌دانند راه کاهش آسیب‌های اجتماعی، لایوشانی و پنهان‌کردنش نیست، بلکه واقعیت لایوشانی‌شده سرانجام با یک نیشتر، دمل چرکینش سر باز کرده و عفونتی لاعلاج برمی‌کشد. راه‌حل، در بیان واقعیت و در دسترس گذاشتن داده‌های مربوط به آسیب‌های اجتماعی است؛ هرچند تلخ و ناگوار باشد. به‌این‌ترتیب جامعه حساس می‌شود و متخصصان نیز بحث و تحلیل می‌کنند. ولی هر وقت یک خبرنگار، گزارش‌گر حرفه‌ای از آسیب‌های اجتماعی (که در رسانه‌ها نهان اما در واقعیت، موجود و آشکار است) ارائه می‌دهد، بی‌درنگ متهم می‌شود. با این وضعیت چطور انتظار دارید بحران ویران‌ساز آسیب‌های اجتماعی فروکش کند؟

سال ۱۳۷۹ (پیش از ۲۰ سال پیش) نیز یکی از بازجویان می‌گفت چرا با وجود این‌همه مشکل، پیوسته مقالات سیاسی علیه نظام می‌نویسید؟ هرچند پس از آن بر پایه جمع‌بندی خود از وضعیت ایران، تمرکز نگارنده روی حقوق بشر بود، اما در آن زمان گفتم بایبید از فردا نوشتن سیاسی را ممنوع کنیم و فقط اجتماعی بنویسیم! آیا اجازه داده می‌شود درباره اعتیاد، طلاق، ازدواج سفید، قتل، خشونت خانگی، روسپی‌گری و... آزادانه نوشته شود؟ وقتی نوشتن و نقد در حوزه سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع را با اتهام روبه‌رو کنید، نتیجه‌اش فوران ناهنجاری در همه این زمینه‌هاست. با این حال چطور می‌توان ادعای آزادی بیان داشت؟

یکی از رشته‌های نوپدید، «پزشکی اجتماعی» است که پزشکی و جامعه‌شناسی را پیوند می‌زند. این رشته از نیمه‌های قرن بیستم در برخی دانشگاه‌های اروپایی تأسیس شد. رشته پزشکی اجتماعی تأثیر وضعیت‌های اجتماعی و اقتصادی را بر بیماری یا سلامت مطالعه می‌کند و شرایطی را که منجر به ساختن جامعه سالم و کاهش زمینه‌ها بیماری‌زا می‌شود، بیان می‌کند. مطبوعات از طریق گزارش آسیب‌های اجتماعی و بررسی و تحلیل آنها، زمینه یافتن بهترین راهکارها برای مدیریت و کاستن از انواع آسیب‌ها را فراهم می‌کنند. بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم را یکی از وظایف قوه قضائیه می‌داند؛ ازاین‌رو گزارش‌ها و نقدهای اجتماعی در مطبوعات، در راستای وظایف این قوه و درخور حمایت و تقدیر است. این امید وجود دارد که در دستگاه قضائی با عطف توجه به لزوم واقع‌بینی و نقدها و تحلیل‌های کارشناسی و نیز برای اثبات حق آزادی بیان، اگر از روزنامه «شرق» به خاطر کمک به شناخت علمی آسیب‌های اجتماعی تقدیر نمی‌شود، دست‌کم این اتهام از آن برداشته شود.

چین ما و چین ماچین

به موازات این رشد سریع اقتصادی، صنعتی و حتی نظامی کشور چین، سطح رفاه مردم این کشور نیز تغییر کرده است.

شهروندان چینی مانند گذشته دیگر به دوجرخه به‌عنوان یک وسیله نقلیه نگاه نمی‌کنند؛ سرمایه‌گذاری کمپانی‌های معروف اتومبیل‌سازی خارجی در چین موجب تولید برندهای اتومبیل باکیفیت شده است. به‌عنوان مثال یکی از این برندها، اتومبیل آلمانی فولکس‌واگن است که در کشور چین با قیمتی مناسب برای خانواده‌ها تولید و عرضه می‌شود.

در زمینه تغذیه و بهداشت به برکت کشاورزی پیشرفته و صنعتی، مردم چین دارای سفره‌های متنوع از غذا و میوه هستند. مردم چین که از دریا به جز سختگوشی و پرکاری معروف هستند، جهت تأمین انرژی و کالری لازم برای فعالیت در طول روز چندین وعده و میان‌وعده (بین چهار یا پنج وعده) را میل می‌کنند. این چنین نیست که مانند ما ایرانی‌ها فقط سه وعده ثابت غذایی داشته باشند که آن‌هم برای طبقات فرودست شاید ارزش غذایی یک وعده کامل را نداشته باشد.

در حوزه مسکن و رفاه نیز دولت چین با تأمین و اختصاص بودجه برای تأمین مسکن و ایجاد زمینه‌های شغلی برای زوج‌های جوان به‌راحتی دغدغه مردم را در این زمینه کم کرده یا از بین برده است.

وسایل نقلیه عمومی نیز یکی از شاهکارهای خدمات‌رسانی عمومی به مردم چین است، به طوری که اولین‌ترین خط ریلی قطار سریع‌السیر جهان در کشور چین و با قیمتی ارزان در دسترس عموم مردم قرار دارد. باوجوداین تصویری که بعضی سیاستمداران و مسئولان ما در چند سال اخیر از چین به مردم ارائه می‌دهند، با واقعیات موجود همخوانی ندارد؛ تصویری که از طرف این صاحب‌منصبان از کشور چین ارائه می‌شود، کشوری پرجمعیت است که به واسطه نبود غذا و میوه مجبورند دو وعده یا کمتر غذا بخورند، احتمالا با دوجرخه مسافرت بکنند و سالی حتی یک دست لباس اگر نتوانند تهیه کنند و اگر هم نتوانند، آن را وصله‌پینه کنند! اما سؤال اینجاست که تصویر چین گرسنه و درعین‌حال پیشرفته چگونه و با چه هدفی در میان مسئولان و مدیران ما شکل گرفته است و ترویج می‌شود؟

در پاسخ می‌توان گفت این گزاره غیرواقع می‌تواند ناشی از یک تصور یا تصویر باشد؛ در خوش‌بینانه‌ترین حالت می‌توان قائل به آن باشیم که این مسئولان محترم مطالعه‌ای